

بسمه تعالی

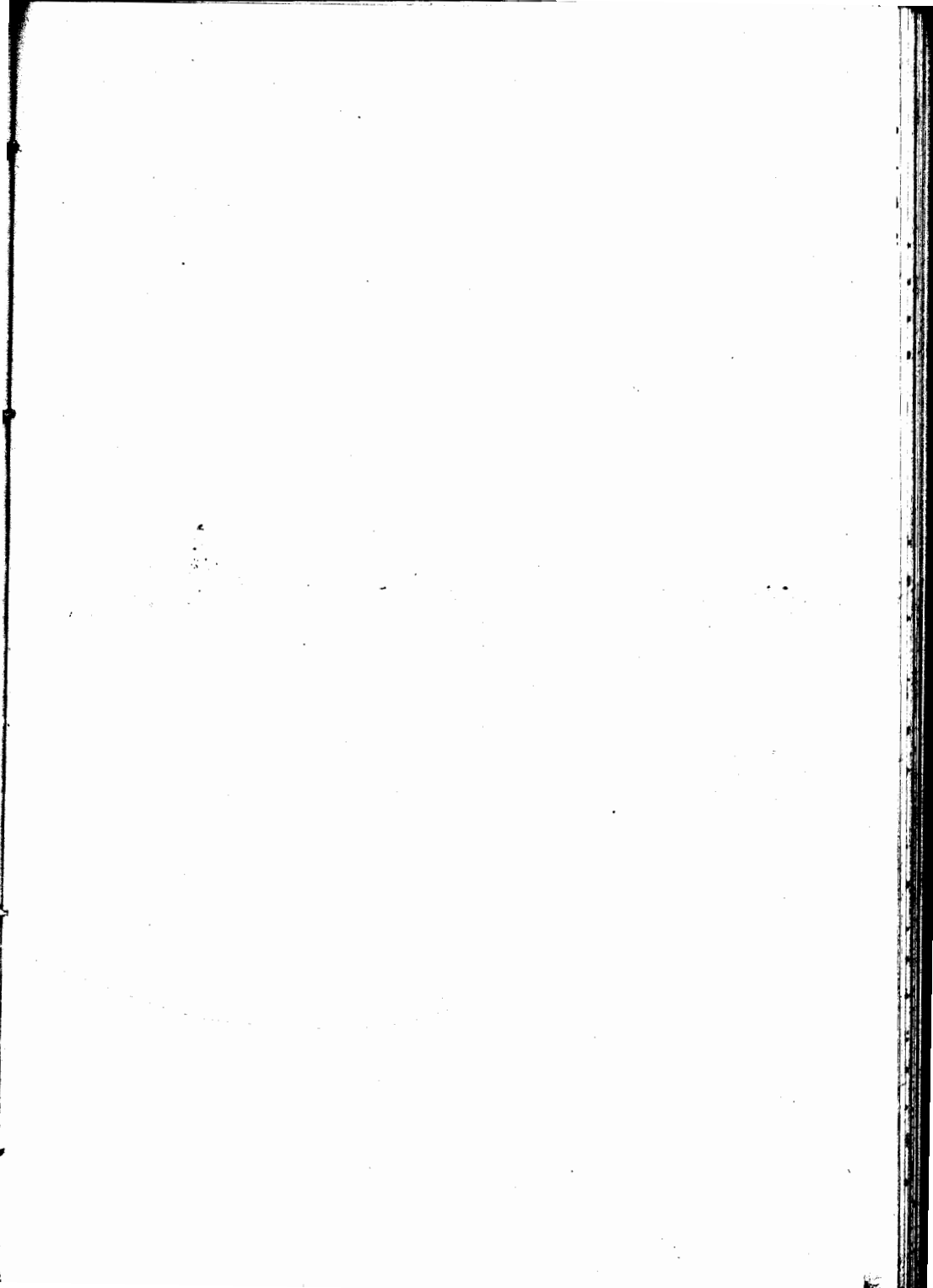
بُحران

تحلیلی از وخامت اوضاع کشور

نهضت آزادی ایران

قیمت ۱۰۰ ریال

تیرماه ۱۳۶۵



بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۴۰

بحران

تحلیلی پیرامون وخامت اوضاع کشور

ربنا آتنا من لدنک رحمة و هیئتی

لنا من امرنا رشدا (۱)

در واپسین روزهای رمضان که ماه هدایت و برکت بود و در روزگاری که امواج "خون و خرابی و فقر" بر کشورمان هجوم آورده بود چه دعائی بهتر از آیه بالا میتوانستیم بدرگاه خدا بکنیم ؟

امیدواریم بما اجازه دهد و جرمی مزید بر حرمهایمان نگیرند که بگوئیم :

پارالها از لطف خودت ب همه ملت ایران و به دست اندرکاران و متولیان ، نه خشم و ضلالت بلکه رحمت برسان ؛

خدایا رشد و رسائی را برای رسدن پرستگاری خودمان و برضای خودت برایمان آسان فرما ؛

خدایا کمک فرما تا ب انبیت پاک و در سایه برکت و بصیرت ، با دلی خالی از کینه و خصومت ، موفق شویم برای نجات و پیروزی ایران و مظلومین جهان راهبایی و چاره اندیشی کنیم ! ..

x

از آنجا که لازمه احابت دعا هم آهنگی خواهند ه

۱- کیف ای پروردگارا از نزد خودت بما رحمتی برسان و برانسان از کار خودمان راه رشد و هدایت را آسان فرما .

با خدا است و تا حرکت از اینطرف نباشد برکت از آنطرف ارزانی نخواهد گشت. سعی میکنیم در حد دانشی و توانائی خود و با توکل بخدا، بدنبال روشنی و راهگشایی برویم. بتجزیه و تحلیل اوضاع بحرانی کشورمان پرداخته با استمداد از واقعیات و اطلاعات موجود، حالات مختلف و محتمل نزدیک و دور را بررسی کرده قضاوت نهائی را بعهده هموطنان عزیز و متصدیان امور واگذار مینمائیم. هدف ما در این نشریه این نیست که کسی را متهم و بکسی بدگویی نمائیم. نه از آنچه کرده اند و میکنند انتقاد مینمائیم، نه تعیین تکلیف خواهیم کرد که عنگ را ادامه یا خاتمه دهند و نه به کسی خواهیم گفت که بجهت بیرون یا نرود.

ما نه مانند ماتمزدگان ملت و مخالفین دولت مایوس و منحرف هستیم که از اقدام و اعتراض، یا لاقابل اظهار نظر و گفتار، خودداری نمائیم و نه مانند دست اندرکاران و طرفداران دنباله رو و سر سپردگان بولایت خود را معاف از توجه و مسئولیت میدانیم تا مبری از وظیفه نصیحت و دلالت، آنطور که قرآن و سنت تعیین کرده اند، باشیم.

ما در عین حقشناسی و احترام و حتی علاقه و دلسوزی برای دنیا و آخرت رهبری انقلاب، نه ایشان را معصوم معاد رسول و امام میگیریم که تشخیص و تصمیمهایشان حالی از بی خبری و خطا یا نعوذ باللّه ناشی و مساوی امر خدا، بوده احتیاج به تصحیح و تدکیر نباشد. و نه عنوان یک مسلمان و یک ایرانی خود را در قبال دولت و دستگاه، مجاز به نادیده گرفتن نص قرآنی " ولا تقف ما لیس لک به علم" (۱) و کتاب نبوی " لا طاعه لمخلوق فی معصیه العالی" (۲) مینشاسیم. ما نمیتوانیم و حق نداریم وقتی می بینیم مملکت و ملت یا انقلاب و نظام بر لبه پرتگاه وحشتناک آتش و فروپاشی

(۱) از آنچه بدان علم نداری دنباله روی مکن.
(۲) در صورتیکه اطاعت در مخلوق مستوجب اطاعت خالق باشد اطاعت از مخلوق جائز است.

قرار دارد دم فرو بسته پناه بکنج عافیت ببریم .

x

در آدمربائی ۲۵/ اردیبهشت ماه یهشت زهرا ما را تهدید کردند که اگر از طح حرف بزنید زیر ماشینتان خواهیم کرد و اگر بگوئید شمار " جنگ جنگ تا پیروزی " شعار مارکسیستی است بشیوه مارکسیستی عمل نموده همه را بدریا خواهیم ریخت البته حرف ما هیچگاه تقاضای طح از صدام نبوده بلکه به تمهیم گیرندگان نصیحت میکردیم که خواهان پایان عادلانه و شرافتمندانه جنگ شوند و به پیشنهاد های معقول طح توجه نمایند .

با آنکه همه میدانند نهضت آزادی ایران نه امکانات عملی و تجهیزات جنگی یا تشکیلات اداری دارد که مانعت و مشکلاتی در راه بسیج و حبهها فراهم سازد و صاحب روزنامه و تبلیغاتی در برابر دستگاه است که تحصیل و تسخیر افکار نماید و نه قدرت سحر و جادو دارد، معلوم نیست چرا اینقدر از منطق و اظهار نظرهای ما میترسند و با تهمت و تهدید بدفع و طرد ما میپردازند؟

تنها توقع و تقاضائی که ما از دولت و ملت داریم توجه و تمکین بمزده الهی است که به بندگان گوش دهند سخنان و بدیرنده بهترین آنها داده است و چنین مردم را هدایت شدگان از جانب خود و دارندگان عقل و خرد دانسته است (۱) .

(۱) زمر ۱۷- فشر عباده الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اولوا الالباب (پسر بندگان پیرونده که گوش بسخن میدهند و سپس از بهترین آنها پیروی میکنند . اینها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است و خردمندان همانها هستند .)

تحقق این مزده خدائی درباره انقلاب و نظام و کشورمان
و نیل ملت و دولت بهدایت و همکاری، آرزوی همیشگی
نهضت آزادی ایران بوده است .

ضمناً امیدواریم وقتی به بررسی و باز کردن قضایا
برای روشن بینی و راهیابی پرداخته میشود تهمت همیشگی
را تکرار ننمایند که قصد ما حربه تبلیغاتی دادن بدست صدام
است یا خواسته، امریکا و امپریالیسم را بازگو
مینمائیم . علاوه بر آنکه انتقاد و ابراز نظر در همه گشور
مترقی جهان در همه حال معمول و معقول^{بوده} برای حسن اداره
امور و جلوگیری از خطا و فساد مفید و ضروری است .
جمهوری اسلامی ایران نیز تا بحال نه اعتنا و هراس چندان
نسبت به تبلیغات و ترهات بیگانگان داشته از این لحاظ
سیاست خود را عزیز کرده است و نه در تصمیمهای خود اهمیت
به افکار و آراء ملت میدهد . وقتی پای سرنوشت یک ملت و
انقلاب در میان باشد آیا میتوان بملاحظه اینکه انتقاد از
خطا و خیانتها حربه تبلیغاتی علیه دولت میشود از ارائه
حق و حقیقت و جلوگیری از ظلم و هلاکت خودداری نمود؟

x

اینک با اجازه خوانندگان محترم اول بررسی جهات
مهم بحران و جریانهای موجود پرداخته میپرسیم " کجا
هستیم و چگونه ایم " . پس از آن بعقب برگشته مسئله " چرا
چنین شده ایم " را مطرح میسازیم . آنگاه نظر به آینه شده
انداخته می کنیم جواب یا جوابهای " چه خواهیم شد " را
بدهیم .

جوابهای ما بصورت یکطرفه و قاطع مفرورانه نخواهد بود
بلکه در برابر برنامه ها و راههایی که پیش پای ملت
گذارده اند حالانی را که ممکن است رخ دهد و احتمالات مختلف
نزدیک و دور کشورمان را ، بر مبنای مفروضات و معلومات

و تجربیات ، بخوانندگان عرضه خواهیم کرد تا هر کس با درایت و قضاوت خود اتخاذ نظر نماید .
ضمناً ما در این نشریه وارد جنبه های قرآنی و شرعی جنگ ، که در نشریات گذشته بقدر کافی روی آنها بحث کرده و جواب درستی هم ننشیده ایم ، نمیشویم . کاری نداریم که ادامه جنگ بعد از عقب نشینی نیروهای عراق و فتح خرمشهر، از نظر اسلام کار مجاز و مناب بوده یا نبوده و چه میبایستی کرده باشیم . صرفاً از جنبه واقع بینی و چاره شناسی به بحث و بررسی میپردازیم .

کجا هستیم و چگونه ایم؟

الف) وضع اقتصادی کشور

نظر باینکه بودجه دولت در هر کشور آئینه اوضاع اقتصادی و معیاری برای قضاوت میباشد تحزیه و تحلیل خود را از بودجه جمهوری اسلامی در سه سال اخیر آغاز میکنیم : میدانیم که هر بودجه یک طرف درآمد دارد که دریافتیها و عایدات سالیانه دولت را معلوم میکند و طرف دیگر هزینه های تعهدی دولت برای اداره کشور و اقدامات عمرانی و خدمات و بدهیها میباشد .

۱- بودجه

۱/۱ - درآمدها

بر اساس جدول پیوست بودجه دولت در سالهای ۶۲ و ۶۴ کسر درآمدهائی نسبت به آنچه خواسته و پیش بینی شده بوده نشان داده است که بترتیب معادل ۲۱% و ۲۴% شده است و نایل ملاحظه و خارج از قاعده میباشد . این کاهش عمدتاً ناشی از تقلیل درآمدهای نفتی در نتیجه تحولات تدریجی بازار جهانی نفت از سال ۱۹۸۱ بوده است

اما بعد از تنزل ناگهانی قیمت نفت از ۲۷ دلار به ۱۲ دلار هر بشکه در اسفند ۱۳۶۴ میزان کسری درآمدهای دولت در سال ۶۵ احتمالاً به بیش از ۴۴٪ رقم بوده مصوب خواهد رسید. بنابراین ناچار باید بمیزان قابل ملاحظه‌ای از هزینه‌های ضروری و نیمه‌ضروری صرف نظر شود.

۱/۲- هزینه‌ها

در سالهای ۶۲ و ۶۴ دولت خود را ناگزیر دیده‌است در ایفای تعهدات و هزینه‌ها معادل ۱۳٪ و ۱۴٪ نسبت به آنچه در بودجه تشخیص داده‌بوده تقلیل قائل شود و این تقلیل و انصراف بیشتر دامنگیر هزینه‌های عمرانی کشور گردیده‌است.

در سالی که در پیش داریم کسر درآمدهای دولت، در صورت عدم تنزل بیشتر نه‌ای نفت و میزان صدور آن، شاید بیش از ۶۴٪ مبالغ پیش‌بینی شده و آرقامی که ضروری میدانسته و عده آنرا داده‌انده گردد.

وقتی دولت با چنان کاهش درآمد روبرو میشود. قبل از هر چیز اعتبارات عمرانی را تعطیل کرده از سرمایه‌گذاری که باید صرف نوسازیها و تاسیسات و تعمیرات مملکت گردد صرف نظر مینماید. مانند راه‌سازها، مدارس، خانه‌سازها، کارخانجات، طرح‌های آبیاری و کشاورزی، توسعه برق و گاز و نفت، مدارس و غیره. بدیهی است که نتیجه این تصمیمات خواستن کارها و توقف فعالتهای مثبت و مفید میشود که نگاهدارنده مملکت است و رقم کوچکی نمیشود. حال اگر قرار باشد در هزینه‌های جاری صرفه‌جویی بعمل نیامده اقلامی مانند حقوق و دستمزد، بهداشت و درمان و بیمه و همچنین کمک‌هایی که برای جلوگیری از گران شدن نان و مواد خواربار اولیه صورت میگردد، بجای خود باقی

بماند، نه تنها کلیه کارهای عمرانی تعطیل خواهد گشت بلکه قسمت مهمی از هزینه‌های جاری نیز، که جمع آنها بیش از نصف بودجه است، اخبارا متوقف خواهدگشت. آثار سوء اقتصاد و اجتماعی این امر، که از هم اکنون ظاهر شده است "بیکاری، رکود، بی پولی، بیدرمانی، مدمه‌دهی و ظرفیت‌های تولیدی و زیربنایی و معائب و مشکلات زیادی بود که ناشی از وخامت و بحران شدید اقتصادی کشور است در مورد بودجه جنگ که مهمترین مسئله مملکت و انقلاب

شده است، کاهش درآمدهای ریالی و ارزی دولت قهرانه محدودیتهای ^{فزاینده} آن بوجود آورده است که اثر مستقیم و موثر روی برنامه جنگی خواهد گذاشت. بر اساس اظهار نظر مسئولان جمهوری اسلامی حدود ۳۰ درصد کل بودجه ما مستقیما به جنگ اختصاص دارد. و با توجه به مشارکت ارگانهای مختلف در جنگ تناسب فوق ممکن است به حدود پنجاه درصد بالغ گردد.

۱/۳ - بودجه ارزی کشور

درآمدهای ارزی کشور در سالهای ۶۳ و ۶۴ نسبت به پیش‌بینی‌های اولیه به ترتیب تا ۲۰٪ و ۳۰٪ کمبود یا عدم تحقق پیدا کرده است. با توجه به مقررات جدید بازار جهانی نفت و بفرض آنکه ضربات و جریانهای باعث توقف یا تنزل بیشتر میزان صدور نفتمان نشود و بهای نفت نیز ثابت بماند، این درآمدها در سال ۱۳۶۵ حداکثر به ۷/۵ میلیارد دلار بالغ خواهد شد که حدود ۶/۵ میلیارد آن از محل فروش نفت و بقیه از محل صادرات غیر نفتی و اصلو بهره‌ها و مهنا (حما ۷/۵ میلیارد دلار) قابل پیش‌بینی است که نسبت به پیش‌بینی اولیه ۶۲/۵٪ کسری درآمدهای ارزی خواهیم داشت. **والبتّه** پیش‌بینی ۲۰ میلیارد ارز را در بودجه مصوب به

بدیهی است که ۷/۵ میلیارد دلار حداقل کسری درآمد ارزی کشور در سال ۶۵ عامل کم اهمیتی نبوده چون باعث خودداری یا جلوگیری از سفارش دادن کالاهای ضروری بخارج میگردد آثار و غامت باری روی فعالیتهای اقتصادی و جنگی ما خواهد گذاشت :

از هم اکنون بسیاری از کارخانجات خصوصی و دولتی شده و حتی دولتی که ارز لازم جهت سفارش مواد اولیه و قطعات یدکی در اختیارشان گذارده نمیشود ناچار تعطیل گردیده یا در ظرف تعطیل و مرخص کردن کارگران میباشند. بخش کشاورزی مواحه با کمبود یا فقدان مواد ضروری عمده از قبیل سم، کود، بذر و غیره است که باید از خارج وارد گردد و نرسیدن آنها سبب رکودهای خطرناک خواهد گشت. در زمینه خواربار، دارو و کتچری از نیازهای زندگی چون تولیدات داخلی ما قادر به تامین کامل حتی در مواردی نیمی از آنها نیستند از مضیقہ ارزی صدمات جبران ناپذیری خواهیم خورد. مهمتر از همه تسلیحات نظامی و مهمات و نیازهای جنگی است که اقلام سنگین و حساس آن در داخل ساخته و فراهم نمیشود و احتیاج به ارز فراوان دارد.

x

بطور کلی وقتی درآمدهای دولت نتواند حتی جوابگوی هزینه های جاری و جنگی بشود، منابع و ذخائر اعتباری لازم برای امور عمرانی و تولید و توسعه نداشته باشیم و سرمایه گذاریها روز بروز کمتر گردد قهرا افزایش تورم، گرانی، بیکاری و فقر جامعه را در بن بست عجبی قرار خواهد داد!

بدیهی است که با خوابیدن یا تخفیف یافتن تحرک و تولید کشور مختصر منابع داخلی درآمد بوده و حتی الامکان استخراج و دور رشت نیز در معرض نقصان شدید قرار خواهد گرفت با این ترتیب پیش بینی وضع بعدی بودجه و آینده کشور بسیار دشوار است. کسی میدانند که راه خلاصی یا درآمد دیگری برای مدهای وحشتناکی که در انتظار است چه خواهد بود؟

ب) جنگ و جبهه‌ها

۱- وضع عمومی جنگ

مواضع نظامی خودمان و جریانهای جنگ را فهرست وار میتوانیم چنین خلاصه‌نمائیم :

- بعد از عملیات والفجر ۸ شدت حملات و تلفات در مقایسه با سالهای گذشته افزایش سرسام آوری یافته است و در مقابل قدرت دفاعی و تهاجمی ارتش عراق نیز در اثر کمک‌ها و تجهیزات و تعلیماتی که دریافت میدارد نسبت به گذشته بیشتر شده پیشروی ما را که در فاصله بعد اعلیٰ رسیده بود تا حدود زیادی متوقف ساخته حتی مبادرت به شکارفتن و باز کردن جبهه‌های تازه یا پس گرفتن و پس دادن - قسمتهای حساس نموده است . علاوه برآن، هم حملات قاطعی که قرار بود از اینطرف صورت بگیرد دچار اشکال و تاخیر گردیده است و هم ضربات وارده مسورانه تر و دقیقتر و متواتر صورت میگیرد .

- بیماریان شهرها اگرچه تقلیل فاحش پیدا کرده تقریبا تعطیل شده است ولی جنگ خلیج فارس و تخریب تاسیسات نفتی و صنعتی و ارتباطی شدت یافته است .
۳- تعداد ^{مکان} اسلحه و تجهیزات از ناحیه ایران بدلیل تنزل عمده درآمد ارزی و تقلیل تولیدات صنعتی کمبود عمده پیدا کرده است

- بسیج مردمی که از ابتدای جنگ مورد نظر و هدای رهبری انقلاب بوده امر به تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی داده بودند و مرتبا داوطلبانی بفرماندهی سپاه جبهه‌ها رفته شهید میشدند یک بار در اواخر سال گذشته صورت قطعی‌تر و مسرانه‌تر به آن داده شده از زنها نیز خواستند که برای

دفاع از انقلاب و مملکت آماده شوند و تعلیمات نظامی -
 به بینند و بصنوف مختلف کشور تکلیف مشارکت جنگی یا
 مالی و جنسی شد .

اخیرا پس از تشدید حملات و ضربات عراق و تضعیف
 توان ارزی کشوره برای تامین احتیاجات جنگی و اداری ،
 از طرف رهبری انقلاب و در تبلیغات انحصاری دولتی ،
 چنین تشخیم داده و تصمیم گرفته شد که تا دیر نشده است
 باید مبادرت بیک حمله همه جانبه سراسری و وارد آوردن -
 ضربه نهائی بمنظور ساقط کردن صدام و حزب بعث نمود ،
 جنگ را امسال علیرغم خواسته ابرقدرتها پایتـــان
 پیروزمندانه بدهیم .

با این ترتیب دعوت ، و بلکه امر ، به شدیدترین اقدام
 دوران جنگ بعمل آمده کلیه سرمایه های ملی را که شامل
 نیروهای انسانی ، اقتصادی ، اداری ، فنی و فرهنگی
 میشود بسیج عام اجباری کرده اند ، میخواهند تقو
 تسلیحاتی و نظامی و سیاسی حریف را با شور و شهادت
 رزمندگان و با انبوه چشمگیر آدمیان حیران نمایند .
 مقامات بالای قوای سه گانه جمهوری اسلامی ایران ،
 ائمه جماعت ، نهادهای انقلاب و همچنین اصناف و انجمن
 اسلامی زیر فرمان همه قدرت تبلیغاتی و اجرایی محمود
 را در خدمت این برنامه عظیم قرار داده اند و با
 راه پیمائی ترکیبی ۱۵ خرداد و قدس به صف آرائی چشمگیر
 پرداخته اند . حتی فرمانده سپاه گفته است ما اگر تا بحال
 فقط ۲٪ نیروی انسانی و ۱۲٪ سرمایه های اقتصادیمان
 را در استخدام جنگ قرار داده ایم (که البته بلحاظ رقم
 و کمیت انطباق با واقعیت ندارد) حالا میخواهیم ۸ میلیون
 را روانه کارزار نمائیم ، ماشین دولت را یکسره در راه
 جنگ بکار اندازیم و کلیه کارخانجات دولتی و خصوصی را

تبدیل صنایع نظامی کرده تا مین کننده نیازهای تسلیحاتی
و صادر کننده بکشورهای دوست بشویم (۱) .

۲- سیاست داخلی جنگ و صلح

مقامات تصمیم گیرنده و گرداننده کماکان سرسختی خود
زا در برابر هرگونه میانجیگری یا پیشنهاد برای صلح و
توقف یا تخفیف حملات ادامه داده اولویت اول را برای جنگ
قائل اند و شعار جنگ تا پیروزی را تغییر نمیدهند.
ولی در ماههای اخیر دو تغییر یا تحول محسوس رخ داده است .
اولا در مفهوم و منظور از پیروزی تعدیل و تخفیف
قائل شده اند . اگر سابقا میگفتند هدف ما تصرف کربلا ،
سقوط بغداد ، دریافت خسارت کامل و سرنگونی حزب متجاوز
بعث ، مرگ صدام ، استقرار جمهوری اسلامی در عراق ، انقلاب
اسلامی در کشورهای منطقه ، آزادکردن قدس ، نابودی اسرائیل
برانداختن استکبار و امپریالیسم جهانی و بالاخره رگس
فتنه از صحنه جهان است ، اینک از زبان ریاست جمهوری و امام
جمعه موقت تهران در خطبه جمعه ۱۶/۱۲/۶۴ اعلام شده است که ما
کاری بکشورهای دیگر نداشته فقط طالب سرنگونی صدام و حزب
بعث عراق هستیم . به بیان ایشان " بعد از عراق نویست
هیچکس دیگری نیست ... بعد از عراق نوبت صلح و امنیت
در منطقه است . " ثانیاً از زبان ریاست مجلس و امام جمعه
موقت تهران در خطبه هفته قبل از آن (و سپس ریاست جمهوری)
اقرار شده و گفته اند ابر قدرتها هستند که " نمیخواهند
این جنگ تمام شود ... و آنها میخواهند از این درگیری
استفاده بکنند ، " و از ابتدا چنین میخواستند (۲) . سپس

-
- (۱) بدون آنکه روی عملی بودن برنامه و تدارک مواد اولیه و قطعات
یدکی که در بخش خصوصی و دولتی مدتها است دچار وقفه
و حشتناک شده است توضیحی بدهد .
(۲) بنا بر این اگر جنگ تعمیلی بوده است صلح نمیتوانسته است
تعمیلی باشد .

افزوده کرده اند که آنها مایل اند هیچ طرف پیروز نشود ولی ما خواهان پیروزی خودمان میباشیم (۱) . آنها از طریق نظامی و با ادامه جنگ .

۳- سیاست های خارجی



بنظر نهضت آزادی ایران ابر قدرتها و اسرائیل

مسئله در تجهیز، تشدید، اداره جنگ دخالت و نظر داشته اند. دولت عراق و شخص صدام بطمع اینکه شکست

قرار داد الحزائر سال ۱۹۷۵ را حیران نموده خواسته های

سوق العیشی و اقتصادی خود را تحقق بخشند و بتصور اینکه

کشور همسایه آنها در اثر انقلاب اسلامی دچار ضعف و از

هم پاشیدگی گشته لقمه راحتی برای بلعیدن میباشد و صدام -

میتواند در منطقه عربی احراز رهبری و سیادت برای خود

بنماید. از سال ۱۳۵۸ مبادرت بمزاحمت و بحمله های ایذائی

کرده تبلیغات و تحریکات انقلاب اسلامی در عراق را بهانه

برای حرکت تجاوزی خود قرار دادند.

در ابتدا نه عراق و نه دنیا انتظار نداشتند انقلاب

اسلامی ایران ، با رهبری و دولت آن ، با ملت شهیدپرور

آن و با ارتش از هم گسیخته و جوانان ایثارگران ، چنین

مقاومت و ایمان و اراده نشان داده اثبات قدرت و اعمال

نمایند. چیزی که صدام خود را ناچار دید به تقویت و تدارک

نیرو پرداختن از حامیان خارجی قدیم و جدید خود استمداد

نماید. باین ترتیب برای ابر قدرتها بهترین موقعیت پیش

آمد تا بطور جدی و غیر مستقیم وارد صحنه گشته مهار جنگ

عراق و ایران را بدست گرفته و از اهرمهای سیاسی شرح ذیل استعاده کند:

(۱) فروش اسلحه بطرفین دعوی و بهمسایگان وحشت زده

(۱) بنا بر این فعلا با هم آهنگی ابر قدرتها جنگ را با آنها شدت ادامه میدهیم .

کرده هم نفت ما را برای صنایع و نیازهای خود ببرند و هم سوده‌های سرشار عاید صنایع نظامی و تولیدکنندگان خواربار و مواد اولیه و ماشین آلات کشورهایشان بنمایند. (۲) امریکا اعمال نفوذ سیاسی بسود اسرائیل روی ممالک عربی کرده منطقه را متکی و مطیع خود سازد. (۳) تفاهم و نزدیکی سیاسی مابین شرق و غرب اروپا با امریکا در مسائل خاورمیانه برقرار گردد. (۴) نیروی انسانی و نظامی و امکانات اقتصادی و جنگی مهمترین دشمنان اسرائیل یعنی ایران و عراق را از بین برده امنیت و میدان عمل آزاد برای اسرائیل ایجاد نمایند تا بتواند آن شرارتها را در لبنان انجام دهد. (۵) انقلاب اسلامی ایران را بتلافی ضرباتی که زده است و خطراتی که برای آنها ایجاد کرده سرگرم جنگ و محروم از خودکفائی و استقلال نمایند. یعنی مانع از آن شوند که به خودمان بپردازیم و موفق شدند از رسیدن ما به اهداف اصلی انقلاب جلوگیری نموده و انقلاب اسلامی را ناتوان و ناساز و در دنیا بد نام نمایند. بدیهی است که غفلت و غرور متولیان کمک‌شایان بنقشه‌های ماهرانه آنها نمود.

سقوط غیر مترقبه بهای نفت که مسلماً روی ضرورت‌های کوتاه مدت و حسابهای بلند مدت اروپا و امریکا تصمیم گرفته شده بوده است و احتمالاً ارتباط با سیاست مشترک آنها درباره جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی ایران داشته است عامل تازه‌ای را وارد صحنه بین‌المللی کرده ضربه‌ای را در خاورمیانه و بر روی مایه حیاتی و محور جنگی ما وارد ساخت.

مطمئناً پیش‌بینی میکردند که چرخ جنگ باید از حرکت یسا لا اقل از سرعت بیفتد تا مشتریان شرق و غرب یعنی عراق و ایران که بقدر کافی کشته داده و از قدرت و خطرناک بودن افتاده اند بطور کلی از پا نیفتند. بلکه بتوانند نفس تازه کرده تولید و توان مجدد برای بازارهای صنایع و تولیدات

و خدمات آنها پیدا نمایند. چنان کج دار و مریزشان نگاهدارند که مشتری آنها، و طبعاً محتاج و مطیع آنها، باشند ولی نتوانند خودکفا و خودحوش و خودساز شوند. بطور خلاصه غاورمیان و ایرانیان انقلاب کرده را که میرفت مستقل و مزاحم و مدعی آنها بشود از طریق جنگی که بدست خودشان راه افتاده و دانسته و ندانسته، بعشق قدرت دنیا یا خدمت بخدا، بامید پیروزی سهل الحصول یا قریب الوصول، با منتهای شدت و خصومت آغاز نموده سرخانه ادامه میدادند، بحال یکدیگر انداختند تا حداکثر استفاده های اقتصادی، نظامی و سیاسی را ببرند و مهارشان نمایند. در هر حال امیدوار بودن ما بسقوط سهل و سریع صدام و وعده های پیروزی قطعی و فوری، عملاً در حکم سراب و وسیله موثری برای اجرای برنامه ابر قدرتها و اسرائیل بوده است.

اگر ما خیلی زرنک و با عرضه بوده خواهیم توطنه ابر قدرتها را که مایل اند ما زنده بمانیم ولی در اثر فرسودگی جنگ ناتوان و نیازمند آنها بوده مطیع و تابعان باشیم، نقش بر آب نمائیم و به نجات کشورمان رسیده به پیروزی انقلاب و نظام اسلامیمان نائل شویم، راهش آیا این نیست که به استقلال واقعی یعنی خودکفائی و به سازندگی و خودحوشی بیندیشیم؟ بعوض خشونت و خصومت ورزی در داخل و خارج و داعیه اصلاح جهانی داشتن و به همراه آن سرمایه های ملی و منابع اقتصادی مملکت را تبدیل بویرانه یا تعطیل و از کار افتاده کردن، آینه بهتر نبود به ایران و به انقلاب برگشته قبل از هر کار ملت و مملکت را متحد و مستحکم و مولد میساختیم؟ ما میتوانیم زوابط خارجی را بر مبنای استقلال و احترام متقابل گذارده مبادلات عادلانه انجام دهیم و روابط

داخلی مان را در خط غدائی آزادی و کرامت انسانی و در جهت الفت و همکاری قرار دهیم .

آیا برای ایستادگی در برابر قدرتهای شیطانی بیگانه که در هر حال و بهر وسیله میخواهند ما و هر ضعیف را بشوند و بیلمند و برای مصون شدن از شر آنها (بجای از بین بردنشان که از محالات سیاست و خلقت است) و برای دفاع از حقوق و حیات خودمان ، آنها منطفا و شرما راهی جز هوشیاری و نیرومندی خودمان وجود دارد؟ نیرومندی نیز جز از راه محبز و مولد شدن و مجتمع و متحد گشتن آیا امکان پذیر هست؟

ج) وضع اجتماعی کشور

اگر بخواهیم از وضع اجتماعی کشورمان و از افکار و روحیات عمومی تصویری ارائه دهیم شاید گویا ترین تابلو همین اوضاع اقتصادی و جنگی مملکت ، با دورنمای سراسر وخامت و التهاب آن، باشد! اوضاع ناپایمان و ناهنجاری که مورد انکار هیچ آدم عاقل آگاه نیست . نادر نوشته های سابق مابلکه در گفتارهای اخیر بعضی از مقامات و مسئولین و نمایندگان و در آمار و مصاحبه های رسمی اوضاع حاضر یا آینده نزدیک کشور در سه جمله " خون و خرابی و فقر " خلاصه میشود و بی پروا همانها را وعده میدهند!

آیا توسعه، بیگاری با مفساد مربوطه، فساد اداری با کمکاری و رشوه کنریهای کلان ، یاس و ناامیدی و بی تفاوتی مردم که ناراحتیهای روانی را بهمراه آورده است ، گرانی شدید و قحطی نزدیک با تنگناهای زندگی که بیش از همه روی طبقات کارمند و مستضعف فشار می آورد و گریبانگیر اکثریت ملت میباشد واقعیات قابل انکاراند؟

آیا افراد زیادی در همه طبقات دیده نمیشود که از قدیم مسلمان مؤمن و مقدس بوده یا در دوران مبارزات گرایش

مادقانه نسبت به اسلام و انقلاب پیدا کرده بودند و حالا از انقلاب و نظام و از مسلمانی و اسلام برگشته بسیاری از آنها شدیداً ابراز ندامت و انزجار دارند؟

آیا در میان نهادها ، در طبقات موسوم به مستضعف و مورد حمایت و در درون دستگاه حاکم تردیدها و بازگشت و تزلزل‌های فراوان حاصل نشده است؟

آیا با وجود تبلیغات یکجانبه و صحنه‌سازیهای ماهرانه توجه مردم بمساجد و محافل و تجمع آنها در راه پیمائشها واجتماعات یا حرف‌شنوائیشان از اوامر امام و مشارکتشان در رای دادن‌ها و غیره سال بسال دچار نکست و نقصان آشکار نشده است؟

همه اینها دلالت بر چه چیز دارد؟

البته ارادت و اطاعت متولیان و گردانندگان ونهادها

(یا تظاهر به آن) نسبت به امام هنوز قوی بوده تا حدودی جبران تضادهای داخلی و نقطه‌ضعف‌ها را مینماید و عامل موثر در ادامه و انجام سیستم میباشد اما تا کی و تا چه حد؟ آیا غیر از خدا هیچ موجودی مُوَالِحِ الْقِتُومِ میتواند باشد و غیر از او کسی را داریم که همیشه سیدار و هشیار و دانای علی الاطلاق باشد؟ آیا بالاخره ملت و دولت ایران نباید متکی بخدا و محمودشان و اداره‌کننده امورشان باشند؟

آیا هفتسال تفرقه و تخریب و تخاصم که تحت عنوان انقلاب و اسلام اجرا گردید هاست و جمع‌کثیری از مردم ایران شاهد و نگران آثار آن شده و خود را بر لبه پرتگاه جنگ و جهنم مینیند ما را حسرت زده ، وحدت و وضعی که در آستانه پیروزی انقلاب داشتیم نمینماید و نباید به این آیات قرآن که زبان حال آنزمان و دستورالعمل و رمز پیروزیمان بود برگردیم؟
وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ

اِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلٰی سَفَا حِفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِنْهَا وَ كَذٰلِكَ
يَبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ آيٰتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ (۱)

چرا چنین شده ایم؟

آیا غار حبیبا باعث این بحرانها و بیچارگیها شدند ؟
آیا خود ما و گردانندگان امور سهمی و تقصیری یا لااقل
تأثیری در ماجری نداشتیم ؟ آیا مسئولیتی نداریم ؟
ما چون در این نشریه در مدد انتقاد نیستیم کسی را
محکوم نمائیم جواب پرسشهای فوق را بصورت اثباتی و
استدلالی نمیدهیم . قضیه را از زاویه منفی نگاه کرده یک
سلسله اگرهائی را نسبت به آنچه تحقق نیافته است مطرح
میسازیم :

۱- اگر بعد از پیروزی انقلاب مادقانه و عادلانه برطبق
خواسته های ملت و شعارهای انقلاب با یک برنامه منظم عمل
میشد و انقلاب بسوی انتقام در داخل و انبساط به خارج
انحراف نمی یافت آیا اوضاع بصورت فعلی درمی آمد؟ و آیا

(۱) آل عمران / ۱۰۳- و محتمما یعنی با هم بر پیمان الهی
جنگ زده متفرق نشوید و نعمت خدا بر خودتانرا بیاد
آورید، آن زمان که دشمنان یکدیگر بودید و میانتان
الفت و دوستی قرار داده در سایه نعمت او برادران -
یکدیگر شدید و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید و شما را
(خدا) از آنجا دور کرد، و این چنین خداوند نشانه ها
و رهنمودهای خود را برای شما بیان
میکند، باین امید که هدایت
شده راه غنوهی را پیدا کنید .

انقلاب کرده بودیم که چنین بشویم ؟

۲- اگر با وفاداری بخواسته‌ها و وعده‌های پیش از

پهروزی انقلاب ، در کشورمان آزادی و حاکمیت ملی
شورائی بر طبق قرآن و قانون اساسی برقرار میگشت و اختیارات
و انحصار و حاکمیت روحانی تکمیل نمیشد آیا باین اندازه
ضد انقلاب و معکول و مدعی پیدا میکردیم ؟ آیا علاقمندان و
ارزشمندان و دانشمندان مملکت گریزان با خانه نشیمن
میشدند ؟ آیا نابسا مانها و آزار و گرفتاریها بمدی
میرسید که اکثریت مردم در قالب طبقات ناراحت و ناراضی
و مستاصل گردیده از انقلاب و از عمل خود پشیمان میباشند و
بدبین نسبت بخدا و دین شوند ؟

۳- اگر گروگانگیری انجام نشده اکتفا به قطع رابطه

با امریکا و اخراج دیپلماتها میکردیم آیا همسایگان
و ابر قدرتها در قسمت عمده‌ای از دنیا علیه ما متحد
میگشتند ؟ آیا مصائب جنگ و این همه مکافات را برای خود
فراهم میکردیم ؟

۴- در گروگانگیری آیا کلاه بزرگی بسرمان نرفت ؟

چه ادعاهاداشتیم و تن بچه موافقتنا مه دادیم ! در آزاد کردن
گروگانها که بالاخره با دست خالی تن به آن دادیم ~~تعلیل~~
نمیشد و از فرصت مساعد و شرایط تعهدی کارتر استفاده
بعمل می آمد ، آیا کار منجر بروی کار آمدن بدتر از کارتر ،
امضای موافقتنا مه الجزائر که بی شبا هت بمعاهده ترکمان جای
نیست و به از دست دادن میلیاردها دلار موجودی و مطالبات
و دعاویمان و پرداخت غرامات اضافی میگشت ؟ ...

۵- اگر در مملکت آزادی عقیده و قلم و اجتماعات

و انتخابات آنطور که در قانون اساسی آمده است وجود میداشت
و یک طبقه انحصارگر میداندار سیاست و تصمیم گیرندگان
صاحب اختیار نمیشدند و مردم میتوانستند در مسائل کشور اثر

طریق احزاب و مطبوعات آزاد روشن شده نظر بدهند و از طریق نمایندگان واقعی مشاورت و دخالت نمایند و بجای حاکمیت یک طبقه حاکمیت ملی تحقق مییافت آیا جنگ بصورت تهاجمی و ویرانی در می‌آمد تا هستو نیست ما را بیلعد و آهرت و دنیایمان را بپلاکت بکشاند؟ ...

۶- اگر قانون اساسی که تغییر یافته خود شامل و تصویب شده اکثریت قاطع ملت است و آنرا مقارن یا معادل اسلام اعلام کرده اند، صادقانه اجرا میگردید و به آن احترام گذاشته قوای سه گانه تقنینی، قضائی و اجرایی، با حفظ استقلال و آزادگی و تعهد، محریان آن میشدند آیا مجلس نقش موثر و مسئول خود و پشتیبانی ملت را از دست میداد؟ آیا قوه قضائیه که میبایستی نگهبان قانون باشد با بی عدالتیها و بخشنامه های خلق الساعه از بین برنده حقوق و قانون میشد؟ آیا قوه محریه از حیثیت و قدرت میافتاد؟

۷- اگر بر مبنای آزادمندی و رسم هموطنی و همکیشی و بر طبق قانون اساسی با افراد و گروههای وفادار به انقلاب و نظام عمل میشد آیا جامعه تا این حد دچار تفرقه و بدخواهی و گسختگی میگردید؟

۸- اگر از ابتدا بر طبق شعار اصلی انقلاب برنامه هد در جهت استقلال و سازندگی و خودکفائی میرفت و حکومت واقعا اسلامی (نه اسلام حکومتی با حاکمیت روحانی) - میداشتیم آیا اوضاع معنوی، اقتصادی و اجتماعی بصورتی که اینک شاهد آن هستیم درآمده این چنین مفلس و سرگردان و مایوس میشدیم و ملت در لبه پرتگاه آتش قرار میگرفت؟ ...

چه خواهیم شد؟

مقامات معتقداند و در تبلیغات رسمی چنین وانمود می‌شود که معیب و اشکال عمده و خامتی در کشور وجود ندارد و هیچ طور نخواهیم شد. جز آنکه انقلاب و نظام استقرار و استیلا بیشتر یافته است و ملت شهید پرور گوش بفرمان بآک از شدت و وسعت بحرانها نداشته با سربلندی و نیرومندی تحمل هر محرومیت و سختی را ، برای پیروزی تا سر حد نابودی ، مینماید. اسلام را در دنیا برقرار خواهیم کرد، مستضعفین جهان را نجات و حاکمیت خواهیم داد و شعله های طفیان و انقلاب علیه مستکبرین هر دم فروزانتر و عالمگیر خواهد شد. ما نمیخواهیم و نمیتوانیم این اظهارات و ادعاها را ، که خودشان هم دیگر با اطمینان و استحکام سابق بزرگ نمی‌آورند، با رقم و مدرک رد کنیم. چون اطلاعات و تبلیغات انحصاری بوده نمیخواهند غیر از آنچه آنها میخواهند چیزی گفته شود یا آمارگیری و آرائگیری بعمل آید. بنا براین جواب پرسش فوق را بصورت حالات و احتمالات مختلف و متصور ارائه مینمائیم تا هموطنان محترم و خوانندگان عزیز و خود مقامات هر طور که صحیح می‌بایند اتخاذ نظر کنند. ولی - نمیتوانیم از ابراز نگرانی نیز خودداری کرده نگوییم که در صورت ادامه جریانها و عدم تغییر اوضاع و تصمیمات مصیبت عامتر و لاعلاجتر خواهد گشت .

وجود امام همانطور که در بررسی وضع اجتماعی اشاره کردیم ، فعلا نقش حافظ و ناظم را ایفا کرده جلوی آشتیگیا و سردرگمی‌ها را گرفته است ولس این حالت و کیفیت تا کسی و تا چه حد خواهد بود؟ بعلاوه حفاظت و ممانعت ایشان آیا میتواند جلوی سنت‌های خلقت در شکست و هلاکت را بگیرد؟ بنا براین میپردازیم به ارائه و بحث مختصر روی حالات

و احتمالات ممتور ، در هر یک از خطرات و امکانات .
الف - بحران اقتصادی

در بحث " کجا هستیم و چگونه ایم " دیدیم که اقتصاد کشورمان در اثر جنگ بی پایان ، سقوط فاحش قیمت نفت و نارساییهای شدید مدیریت و تولید ، بوخامت و حشمتناک و بی بست غیر قابل انکار رسیده است (۱) . همه چیز خراب است و توقف و تعطیل و قحطی عمومی یا شورش و انفجار میدهد و در هر حال به احتمال وجود دارد :

الف - (۱) با بسیج عامی که فرمان داده اند پیروزی ما در جنگ قطعی و نهائی و فوری صورت گرفته دوران رکود و سختی نیز پیش از آنکه آثارش محسوس و موثر شود سیری گردد .

الف - (۲) نظر باینکه اولاً ملت شهید پرور برای نان و رفاه یا آزادی و عدالت انقلاب نکرده است ، ثانیاً شعب - ایطالبا لگوی او بوده تحمل بینهایت دارد . مسائل و بحرانها اقتصادی برای او اهمیت نداشته تا پیروزی کامل پایداری خواهد نمود و ثالثاً پس از پیروزی بر عراق تولیدات و کارها بجای خود بر خواهند گشت .

الف - (۳) با تولید داخلی و منابع صادراتی تازه جیزان بحران بعمل آمده انقلاب و مردمان بارورتر و فرومندتر از اول خواهند شد .

x

حالت الف - (۱) که خدا کند درست درآید ، بنسب بحریات گذشته ، با توجه به کمکهای که حریف دریافت میدارد ، که از آن جمله است نزدیک شدن سوریه به عراق و راه افتادن نفت عراق از آن طریق و همچنین جریانهای عمومی سیاست جهانی ، بسیار بعید بنظر میآید که تحقق پیدا کند و کمتر ممکن است آدم عامل هندس و سیاست خود را این چنین بخطر بیندازد .

x

(۱) اقتصاد کشور ما را میگوئیم به بست رسیده است ، به اسلام را .

حالت الف - ۲) علاوه بر آنکه فرض ابتدائی آن صحیح نبوده مقایسه انقلاب اسلامی ایران (که هدف آن آزادی - استقلال و حکومت اسلامی با عدالت و برکت بوده است) با رسالت حضرت خاتم الانبیا (که همچون سایر پیغمبران برای دعوت و حرکت انسانها بسوی خدا و آخرت بوده است) قیاس مع الفارق میباشد. فرض دوم نیز ، یعنی تحمل بینهایت قاطبه مردم، با واقعیت تطبیق نکرده و خلاف آن ظاهر شده است. مضافا باینکه وقتی امکانات و ضروریات لازم برای حرکت و حیات از دست یک ملت گرفته شد و همه چرخها از کار افتاد، عامل شور و تحمل چه میتواند بکند؟ در دنیای صنعتی و متمدن امروزی ، که زندگی روزمره ما نیز خواه ناخواه بهمان صورت درآمده است ، جریانها و امور جهان چنان پیوسته و وابسته بیکدیگر اند که وقت، یک جزء یا عضو از کار بیفتد تمام ماشین میخوابد. دویست سیصد سال پیش که شهرها و روستاها و حتی خانوادهها، با منابع زراعتی و فعالیتهای دستی و مدیریت انفرادی حالت تقریبا مستقل و خودکفای مجزی داشتند و هر قسمتی میتوانست تا مدتی روی پای خود ایستاده مانند قلعه های جنگی تحمل محاصره را بنماید، آسیب پذیری و فروپاشی مانند امروزه نبود. زندگی اجتماعی و ماشینی انسانرا بشدت اسیر تمدن و تولیدات خود کرده بر خلاف جوامع انفرادی و بدوی قدیم دوام و توفیق هر کشور و نظام مشروط بگردش سالم و کامل کل سیستم شده است. تصور اینکه ما بتوانیم با استقبال از قحطی و با اختصار اقتصادی یا توقف و انجماد جریانهای حیاتی کشور (مانند خوراک، پوشاک، درمان و درآمد یا انرژی، ارتباطات، صنعت و مدیریت) دوام بیاوریم و از عهده اتمام جنگی برآئیم که هفت سال است نتوانسته ایم با همایمان و اراده و ایثار و بکار انداختن نیروها مهارش بنمائیم ، بنظر

می‌آید چیزی جز یک تصور باطل و خیال واهی نباشد! وضع بسیار وخیمتر از آن است که تبلیغ یا تصور مینمایند!

این مطلب صحیح است و تاریخ نظائر زیادی نشان میدهد که شهری یا پایتختی بمحاصره افتاده تحمل محرومیتها و سختیهای حائرسا را بر خود هموار کرده‌اند. آنچه آذوقه و حیوانات زنده داشته‌اند خورده بحال زار و نزار افتاده - معذک تسلیم دشمن نشده‌اند. ولی فرق مسئله در این است که آنها در معرض تجاوز بوده‌یگانه‌راهشان از نظر شرعی و ملی و انسانی دفاع و فداکاری و شهادت بوده‌است. ولی ملت ایران پس از تخلیه و پیروزی خرمشهر چنین وضعی را ندانند. شرعا و قانونا و مطلقاً ملزم به استقبال از بیچارگی و مرگ نبوده‌است. راه‌حلهائی عاقلانه و خدا پسندانه و پیروز- مندانه‌تر داشته‌است و دارد .

تازه‌پس از پیروزی و با فرض سوم یعنی سرنگونی و سقوط صدام و حزب بعث مگر براه انداختن مجدد ماشین های اقتصادی خوابیده و خراب دو کشور و جوابگوئی به نیازها و مسائل معاشی و اداری دو ملت غالب و مغلوب، کار آسانی است؟ مسئله و تمصیبت آیا بهمین سهولت خاتمه یافته همسایگان و ابر قدرتها ما را بحال خود رها خواهند کرد، و جنگ و مقاومتی خیلی شدید و حائرسا‌تر در انتظارمان نخواهد بود؟

x

حالت الف - ۴) که در مصاحبه‌ها و تبلیغات روی آن تکیه میشود، برای دلخوشی مردم و سرگرمی خودشان خوب است ولی وعده و برنامه تازه‌ای نیست. اگر در ظرف چند سال بعد از استعفای دولت موقت که میگویند کارها و جریانها حالت عادی و فعال زنده داشته و راه برای تحرک و تولید باز شده است، کاری از پیش نبرده‌ایم و بطور متوسط و

مستمر شاهد کاهش خودکفائی و سازندگی بوده ایم ، حال - چگونه ممکن است در شرایط بحرانی حاد فعلی یا بعد از این و با بسیج عام و اختصاص یافتن همه سرمایه ها و نیروها بحنگ ، تولیدات و صادرات و صادرات مرشرا احیاکننده ای امکان پذیر باشد؟ مگر آنکه معجزی رخ داده دنیا دگرگون شود و خدا چاره ساز امرمان گردد .

اما در منطق اسلام و قرآن ، ما چه عدالت و تقوایی در اعمال و رفتارمان با دوست و دشمن بخرج داده ایم که انتظار وعده الهی و *مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ* (۱) را داشته باشیم ؟

ب) بحران جنگ

رهبری انقلاب و متولیان نظام ، با وقوف به بحران حاد اقتصاد و جنگ و با احساس اینکه کفگیرها به ته دیگ خورده است ، همانطور که در بحث (جنگ و حبه ها اشاره شد ، از یکطرف برنامه و بارها را سبک کرده اند و از طرف دیگر دست به خطیرترین اقدام بعد از آغاز جنگ زده متوسل به آخرین تیر در ترکش شده اند و خدا میدانند برای چندمین بار وعده قطعی پیروزی نزدیک و نهائی را داده اند .

برنامه ای که آنرا سبک کرده بعد اقل رسانده و حتی حرفی هم از غرامت گرفتن زده اند قبلا گفتیم که از زبان آقای رئیس جمهور اعلام گردیده اکتفا به سقوط صدام و حزب بعث کرده اند . برای تحقق قطعی و نهائی پیروزی نیز دست به خطیرترین اقدام زده فتوی و فرمان بسیج کلی عام صادر کرده اند .

در گذشته نیز نظیر این وعده ها و وظیفه ها داده میشد . اما چنین قاطعیت را نداشته تصمیم گیری روی ناچاری و

(۱) طلاق ۲ - و هرکس تقوای خدا را بیشه کند برای او (خدا) راه خروج (و نجات) فراهم خواهد کرد و او را از حایا - بگونه ای که گمان نمیرسد روزی و رمق خواهد داد .

دستپا چگی یا عصبانیت نبوده آخرین برگ برنده و کلمه وجودی کشور را بمیدان نیاورده بودند. بر لبه وحشتناک " همه یا هیچ " و انتخاب " پیروزی یا نابودی " نبودیم .

بعد از تخلیه خرمشهر و فرار مدامیان حمله به بصره را داشتیم و دعوت از عراقیها برای استقبال از قشون ظفرمند اسلام و الفجرهای یک و دو تا نهم را داشتیم که هر یک از آنها میبایستی بر طرف کننده شبهای ظلمت و ظلم و برقرار کننده پرچمهای پیروزی ما و سرنگونی صدام و ابر قدرتها باشد. مجنون را گرفتیم که مژده انصداد - راههای حرکت و رگهای حیات حریف را میداد، با یک دنیا شهامت و شهادت در فاو پیاده شده گلوی صدام و حامیانش را در جنگال گرفته تن به تلفات فوق العاده دادیم، اخیرا فکه و مهران و حاجی عمران صحنه خونین ترین بر دو با خت های مرگ و زندگی شده است ... ولی باز هم " نهضت ادامه دارد " انکار هنوز سر حای اول هستیم و این قافله سر دراز دارد. اینک ، بدون آنکه در صدد باشیم کارائی سرنامه های فوق الذکر را رد یا اثبات نمائیم ، به ارائه احتمالات جنگی آینده میپردازیم . احتمالاتی که کما بیش منطبق با حالات اقتصادی بند فیلی میباشد :

- ب - ۱) پایان جنگ از طریق نظامی و پیروزی نهایی.
- ب - ۲) ادامه جنگ در اثر پیروزی نسبی و پیشروی اضافی در خاک عراق .
- ب - ۳) ادامه جنگ در اثر پیروزی عراق و پیشروی در خاک ایران .
- ب - ۴) شکست ایران .
- ب - ۵) پایان عادلانه و شرافتمندانه جنگ از روی واقع بینی و دور اندیشی .

حالت ب - ۱) آروزی ما و هر ایرانی است . اگرچه با حضور عوامل و جریانهای داخل و خارج ، با توجه به تجربیات گذشته و با تفاوت های مثبت و منفی این بار احتمال آن ضعیف بوده محال بنظر می آید . ولی بفرض که انشاء الله چنین شود ، تازه بکجا رسیده ایم ؟ حساب هفت ساله را که بکنیم خواهیم گفت موفق شده ایم یک جانی متجاوز بد سرشتی را نابود کرده بکیفر برسانیم و دست یاران سیاسی او را از حکومت عراق برکنار نموده ایم ، ضمن آنکه حامیان خارجی صدام را بیرشکسته و خوار کرده ایم اما ذر عوض چه داده ایم ؟ صدها هزار نفر از ارزنده ترین مردم مسلمان مجاهد ایران را بکشتن داده ایم و همین اندازه یا بیشتر از مردم مسلمان و غیر مسلمان بیگناه یا محور شده عراق کشته شده اند . چقدر خرابی و خسارت بیار آمده است ، که بفرض حیران پذیر بودن ، قرنها و نسلها باید صرف وقت و قبول محرومیت و تلاش شود . . . آیا کیفر و انتقام از یک یا چند نفر و اثبات اینکه هر چه خواسته اند و گفته اند شده است و باید بشود ، عقلا و شرعا و عملا ارزش این همه خون و خرابی و فقر را داشته است ؟ خدائیکه دفاع و دوام را واجب کرده و تعدی و تلافی را منع نموده است و ضمنا حساب و عذاب محرمین را خود بعهده گرفته موکول به آن دنیا نموده است آیا رضا بجنبین رفتار میدهد ؟ ملت معاصر و آینده ایران چه قضاوت خواهد کرد ؟ تاریخ چه خواهد نوشت ؟ تبعات و آثار رآینده مملکت و انقلاب و منطقه و مردم عراق چه خواهد بود ؟ . . . انطور که آقای رئیس مجلس در خطبه نماز جمعه مورخ ۶۵/۲/۱۳ گفته اند آیا مسبب و دولت مغلوب عراق دست وحدت و محبت دولت غالب ایران داده همسایگان از ما استقبال و با ما اتحاد کرده دسته جمعی منطقه را از شر ابر قدرتها و دنیا را از بلای اسرائیل و امپریالسم پاک خواهیم کرد ؟

آنچه محقق است و شاید بیشتر بخاطر آن این بسج و بساط راه انداخته شده و از هم اکنون به نتیجه رسیده است ، حضور و حاکمیت سپاه بیبانه جنگ ، در همه نهادها و ادارات میباشد و قبضه کردن قشرهای ملت و قدرت دولت برای فاعل مایشا شدن جناحی از حاکمیت ، در حیات و حضور یا در غیاب ^{بعداً} مقام رهبری .

x

حالت ب- ۲) که پیشروی در خاک عراق و پیروزی نسبی با چند کیلومتر پس زدن نیروی عراق و گرفتن یکی دو شهر و سه چهارتا روستا و شهره بیبای ضایعات و تلفات سنگینتر از گذشته میباشد بنظر می آید از سایر احتمالات واقع - شدنی تر بوده محمداً به جنگ فرسایشی برگردیم . در هر حال وعده قطعی یکسره شدن جنگ در سایل جاری و حل شدن مسئله دژ حبشه ها بار دیگر تکول گردد و متولیان و دست اندرکاران چند صباحی به حاکمیت خود و به وعده و وعیدها ادامه دهند . اما آیا داستان بهمین جا پایان پیدا خواهد کرد و جریانها بوضع گذشته بر میگردد؟ مسلماً خیر .

جنگ وقتی همراه با تلفات عزیزان و انواع ضرر و زیان ادامه پیدا کند خستگی و تائرو عصیان ممکن است چند برابر گشته مقدمه آشفتگیها و منشاء درگیریهای فراوان بشود .

عصابتها و خشونت های اجتماعی همیشه دیرتر از موارد - انفرادی و خصمی ابراز میشود . خصوصاً اگر ترس از مزاحمت و خطرات سیاسی و پلیسی ایجاد عقده و اختناق نموده باشد . ولی همسنگه از گوشه ای و بیبانه ای سر و صدا راه بیفتد سیل حروشی راه خواهد افتاد که جلوگیری از آن دشوار بوده - نکار بردن خشونت بر شدت آن خواهد افزود .

x

حالت ب- ۳) جناح قدرت روحی و قدرت نظامی ما

اجازه ندهند چه پیروزی نسبی و پیشروی برسیم احتمال بعدی ادامه جنگ با برتری و پیروزی عراق خواهد بود .
با حداقل ناچار بقبول حالت نه جنگ نه صلح ممکن است بشویم . در هر دو صورت با توجه به شرایط بحرانی اقتصادی و اجتماعی داخل کشور که در جهت و خامت سیر مینماید و موضع نظامی و سیاسی مناسبتری که بسود عراق عمل مینماید -
تحمل و تداوم این حالات میتواند فاجعه انگیز باشد و بطح واقعا تحمیلی صد بار بدتر از پایان کروگانگیری پیاپی در جامعه بعد از انقلاب یا البته اعتراض و اختلاف و میل به انتقام زیاد شده است . نه تنها در بین بسیاری از مردم که ناراحت و ناراضی هستند و پریشانی و پشیمانی پیدا کرده اند بلکه در میان جناحهای حاکم یا روحانیست و حزب الهی ها که علاوه بر تضاد و تعاصم سلاح و وسائل در اختیار دارند . از طرف دیگر ضد انقلابیها را باید بحساب آورد که در انتظار فرصت نشسته مواضعی را اتخاذ کرده اند و همچنین سیاستهای بیگانه که برای خودشان حسابها دارند و در موقع مقتضی وارد میدان خواهند شد ...
خدا کند که در حیات امام مشکلات کنونی بنحو عقلانی حل شود و پس از ایشان ایران عزیز ما تبدیل به لبنان و بدتر از آن نگردد.

نباید تصور کرد کلیه رزمندگانیکه با لبیک احابیه امام ایثارگری و دلآوری مینمایند پس از ایشان نیستند اطاعت و شهادت را ادامه خواهند داد . بلکه بیم آن میرود که جبهه ها خالی و فاقد قدرت گشته امکان پیروزی با مقاومت بمراتب ضعیفتر گردد و ملت ایران شاهد تفرقه و خونریزیها و هشتناک گردد!

x

حالت ب - ۴) بزرگترین مصیبت است! خدا چنین روزی

را نیاورد! انشاء الله که عمل کرد گذشته تصمیم گیرندگان و غفلت و غرور آنان کار را بچنین جاهائی که برگردان شمار " جنگ جنگ تا پیروزی " به شمار " جنگ جنگ تا نابودی " است نکشاند!

فکر اینکه اگر جریان جنگ معکوس گشته صدام به ایستائهای غرب و جنوب ما سرازیر شود و شرایط و حرائم جاسوزی را بر ما تحمیل نماید پشت انهارا بلرزه درمی آورد! یقینا ملت غیرتمند و ایثارگران شهادت پیشه ما نخواهند گذاشت چنین روزهای دلت پیش آید.

در وضع دفاع از حیات و حیثیت و میهن و آئینمان قرار خواهیم گرفت. شهادت و جانبازی و وحدت عمومی بر همگان فرص خواهد شد. اما آیا باید بگذارند و بخواهند که کار بانجا، بکشد؟ یارفتار و کردارها خدای نخواستہ چنان استیصال و انزجار ایجاد کرده باشد که خلق زیادی با استقبال بیگانه تازه وارد یا دشمن اخراج شده بیرونند؟

ما در شریات گذشته توضیح داده و توصیه کرده ایم که تا در موضع دفاع مشروع واجب و حفا نیت ملی و بین المللی قرار داریم و تا بلحاظ پیشروی و نیرومندی دست بالا را داریم، خواهان پایان عادلانه و شرافتمندانه جنگ باشند و پذیرای درخواست یا پیشنهادهای مطمئن و معقول و قابل قبول برای صلح بشوند. در حقیقت ما تحمیل کننده شرایطی گردیم که هم تامین غرامت و دریافت خسارات های وارده را بنمایند و هم ایجاد امنیت و اطمینان برای جلوگیری از نیرنگ و تحدید نثار بکند.

آیا هیچ فردی و هیچ امتی یا ملت حق دارد مفرور بخود و جدا بشود؟ آیا تاریخ موارد زیادی را نشان نمیدهد که مفرورمندان و پیشروندگان وقتی مفرور شده روحیه و امکانات^{شان} ضعف کشه، حسم با تصمیم و امداد بحملات تلافی حویانه پرداخته

چنان شیرازه کارها از دستشان در رفته است که محال بخود آمدن و نیفتادن در دره نابودی را نداشته اند؟
ما از فرض چنین مورد و طرح این احتمال اکراه داریم ولی آیا خوش آیند و بدآیند انسانها واقعیت حریانها ، قانونمندی طبیعت و ناموس خلقت را تغییر میدهد و نباید پیش بینی هر پیش آمد را ، هر قدر ناگوار باشد کرد ؟
سرچشمه شاید که بستن به بییل جو بر شدن شاید گذشتن به بییل

x

ب - ۵) وقتی است که تصمیم گیرندگان واقع بینی و خرد مندی بخرج داده تا غرق نشده ایم چاره اندیشیدر دست از لاجاست و غفلت و از شعار و افتخار یا از انتحار بردارند .
اگر تصمیم گیرندگان ما از این بعد واقع بینی و مصلحت اندیشی را گزیده دریافته باشند که راه بینهایت دوری را جلو پای خود و ملت گذارده اند ، تا بحال آنجا که میخواستند نرسیده ایم و معلوم نیست برسیم و پذیرفته باشند که داعیه های بلند و بالای گذشته برای سرگونی فوری کفر و استکبار در جهان و رفع فتنه از عالم برتر از وظیفه اسلامی و طاقت انسانی بوده مخالف مشیت الهی است ، در این صورت امید نجات و فلاح یا رستگاری و پیروزی بخواست خدا پیدا خواهد شد . با دریافت و اذعان باین حقیقت از طرف متولیان و تصمیم بچاره اندیشی و خامت ، نسبی از مسئله و مصیبت حل خواهد گشت پس از آن امدد میرود که ما حس نیت با قبول مسئولیت و بذل همت و وحدت و فداکاری در خطی قرار یکپیریم که پایانش انشاء الله سلامت و سعادت باشد .
آیا چنین احتمال و امکان هست ؟ ما نا امد نیستیم نشانه هایی در بیانات و اقدامات بعضی از آقایان ظاهر شده است هم اعلام واقعیات و اطلاعاتی سواى آنچه را که قبلا خواسته و گفته میشد مینمایند . هم اعتراضهای ضمنی

بمشکلات و موانع نموده در رجز خواهیها تخفیف داده اند و هم هسته و گریخته راه برای چاره اندیشیها و ختم فاجعه باز مینمایند. شاید از همدیگر و از رهبری ملاحظه میکنند

امیدواریم همانطور که امیر موه منان ، مولای - متقیان و اشع شعاعان میفرمود بزودی بگویند عَرَفْتُمُ اللّٰهَ بِفَتْحِ الْعَزَائِمِ (۱) .

موضوع مهمی که میماند حوادث بعد از جنگ و اثرات آن روی تداوم قدرت و تسلط مدیریت است. تا بحال جنگ تعمیلی برای گردانندگان ما عامل عیاشی و وسیله انحصار و اقتدار بوده است ولی با تحولی که پیش می آید و ناچار باید تن آن داده شود لازم است برای انطباق با شرایط جدید و برای دوران انشاء الله سازندگی و حاکمیت الهی و ملی فکری شود.

x

جمع سدی تحریر و تحلیلها و هشدار که نهضت آزادی ایران بمقام رهبری انقلاب بمسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران و بعلمت عزیز ایران میدهد بشرح ذیل خلاصه میشود: -
و حاکمیت اوضاع و بحران حاضر آنطور که از بوده دولت و از واقعیات و حریاسهای کشور برمی آید جدی بوده در اثر غفلت و غرور ممکن است بیفجایع غیر قابل تحمل و بحران ناپذیر بیانجامد .

- عامل دستاورد بحران ، جنگ تعمیلی است و خروج از بن بست بدون پایان صحیح و سریع جنگ امکان پذیر نمیشد .

- اثر قدرتها بحاضر سلطه سیاسی و ممانع اقتصادی خودشان و تضعیف انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران تداوم جنگ را همواره دامن زده اند اسرائیل نیز از اینکه

(۱) خداوند را با فتح عزیزینها و سرکنندگان تصمیمها ساختیم

دو نیروی مزاحم و مهم منطقه فرسوده و ناتوان شده‌اند سود فراوان برده‌است .

- در اوضاعی که دامکیرمان شده‌است مسلما خود ما -

بی‌تقصیر نیستیم، در صورت وفاداری به اهداف و عهده‌های اصلی انقلاب چنین گرفتارها را نمیداشتیم و خلاصی از فاجعه باید با توسل بخدا و بندست و اندیشه و اتحاد خودمان صورت گیرد .

- برای آینده کشورمان هیچ حالت قابل احتمال است :

حالت مطلوب و مورد نظر که عرضه شده‌است بیروزی قطعی فوری از طریق نظامی ولی بسیار مشکل و بعید بنظر می‌آید حد وسط ادامه حکم است تا پس و پیش رفتن مواضع طرفین که در هر صورت بحران شدیدتر و مصیبت‌بارتر خواهد کرد . بدترین احتمال بیروزی حریف و صلح‌نگین احتمالی است که خدا نخواهد و با دادار هم اکنون برفع و حل‌وگیری آن قیام نمائید .

بالاخره حاره خوئی کامل جز با واقع بینی تصمیم گیرندگان و بازگشت بخدا و ملت قابل تصور نیست .

فعلا از خداوند رحمن بحاث کشور و سعادت ملت ایران در راه خدمت باناسبیت و تقرب بخدا را مسئولیت نموده‌ام و در سلامتی و فرصت برای بحاث کشور در نظریات بعدی تصمیمان گردد .

ربنا آتنا من لدنک رحمه و رحمة

لنا من امرنا ربنا

سپه آزادی ایران

اول تیرماه ۱۳۶۵

نشریات نهضت پیرامون جنگ

- تحلیلی پیرامون جنگ و صلح ۹۶ صفحه - ۱۵۰ ریال
 - توضیحاتی پیرامون مذاکره آتشس - صلح ۲۰ صفحه - ۵۰ ریال
 - پایان عادلانه جنگ بی پایان ۲۴ صفحه - ۶۰ ریال
- اسناد نهضت آزادی

- جریان محاکمه سران و فعالین ۱۳۴۴-۱۳۴۰ ۳۲۲ صفحه - ۵۵۰ ریال
 - ادامه مقاومت و مبارزه ۱۳۵۷-۱۳۵۴ ۲۸۸ صفحه - ۴۵۰ ریال
 - جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ۴۴۸ صفحه - ۷۰ ریال
 - راه اندازی نفت و تنظیم اعتصابات ۴۰۸-۶۰۰ ریال
 - اعلامیه ها ، بیانیه ها و تحلیل های سیاسی ۱۳۵۷-۱۳۵۹ ۵۰۰ صفحه - ۷۰۰ ریال
- اسناد نهضت مقاومت ملی ایران

- نشریات راه مصدق و ضامن ۱۳۳۶-۱۳۳۲ ۷۵۸ صفحه - ۱۵۰۰ ریال
 - اسناد درون سازمانی ۴۳۳ صفحه - ۸۵۰ ریال
- کتابهایی از مهندس مهدی بازرگان

- انقلاب ایران در دو حرکت ۲۶۵ صفحه با جلد زرکوب ۵۵۰ ریال
- مسکلات و مسائل اولین سال انقلاب با جلد شومیر ۲۵۰ ریال
- بازاریابی ارزشها جلد ۱ - ۲ ۴۰۸ صفحه - ۴۸۰ ریال
- شریه جدید نهضت ۴۵۰ صفحه - ۶۰۰ ریال

- آدم ربائی در بهشت زهرا ۴ صفحه - ۲۰ ریال

ردیف در چک	۱۳۷۵		۱۳۷۴		۱۳۷۳		مجموع
	سال	تاریخ پرداخت	سال	تاریخ پرداخت	سال	تاریخ پرداخت	
X14	۱۹۰۰/۰	۳۳۹۹/۰	X14	۴۱۵۹/۸	X11	۴۱۴۵/۴	۳۳۵۰/۴
X16	۵۴۵۰/۰	۱۴۹۰/۰	X18	۱۱۵۷/۱	X19	۱۴۹۴/۴	
X19	۱۳۷۰/۰	۱۹۰۹/۰	X1	۱۵۰۴/۷	X13	۱۳۳۳/۰	۱۰۵۵/۱
X20	۴۹۰۰/۰	۳۸۹۱/۰	X14	۳۳۵۰/۷	X17	۳۳۷۷/۸	۳۸۷۰/۶
X8	۴۴۵۰/۰	۴۷۵۹/۷	X1	۴۵۷۱/۹	X17	۴۴۹۴/۸	۴۶۸۴/۱
X14	۴۵۰/۰	۱۴۴۹/۳	X13	۷۷۸/۸	X16	۸۸۴۰/۰	۱:۸۶/۴
	۱۰۰۰/۰	۴۹۰/۰		۶۹۰/۹		۳۵۴/۴	۷۳۴/۶
							۵۱۴/۷

همان

۱- دریافت ها : (به میلیون ریال)

۱۸۰۰/۰

۱۰۵۵/۱

۳۸۷۰/۶

۴۶۸۴/۱

۱:۸۶/۴

۵۱۴/۷

بیشتر متوسط : ۱/۶ میلیون بزرگ در روز و از نظر بزرگی ای ۱۴ دلار (مهرش)

از برای هزینه های جنگ حملات پیش بینی شده است .

این حجم از اعتبار و عملیات همراهِ استخراج به برآورد بزرگی شده و قابل تأکید نیست و صرفاً برای اطلاع بیشتر بودن روندهای موجود میباشد .

پیش بینی

توضیح : ارقام قطعی جدول از نتایج مرکز آمار ایران اخذ شده است .

شماره نقشه " تهران - حملات از روپایه ارتش "